

# مدیریت ترازنامه و اهمیت آن

مادامی که اهمیت و جایگاه سیستم مدیریت ترازنامه در تصمیم‌گیری‌ها و تعیین استراتژی بانک‌ها و سایر موسسه‌های مالی، به طور شفاف و روشن تبیین نشود، لزوم به‌کارگیری آن نیز در ابهام خواهد ماند. بنابراین، ضروری است که ابتدا اهمیت و وظایف سیستم مدیریت ترازنامه روشن شود تا موسسه‌های مالی در جهت به‌کارگیری آن گام بردارند. زیرمجموعه‌های این بخش عبارتند از:

## ترازنامه و صورت سود و زیان بانکها

بانک‌ها موظفند که در هر سال دو گزارش مالی اصلی تهیه و ارائه کنند. این دو گزارش اصلی عبارتند از: ترازنامه، صورت سود و زیان. همانند ترازنامه شرکت‌ها، ترازنامه بانک‌ها نیز نشان‌دهنده وضعیت دارایی‌ها، بدهی‌ها و حقوق صاحبان سهام (ارزش ویژه) بانک‌ها در تاریخی مشخص است. دارایی‌ها، باینگر مصارف و نحوه استفاده از وجوهی است که برای بانک درآمد ایجاد می‌کنند. بدهی‌ها و ارزش ویژه (حقوق صاحبان سهام) نیز منابع وجوه بانک را نشان می‌دهند. بانک‌ها هنگام جمع‌آوری وجوه و منابع پولی، هزینه‌هایی را متحمل می‌شوند، اما انتظار بر این است که درآمدهای حاصل از به‌کارگیری دارایی‌ها، بیشتر از هزینه جمع‌آوری پول باشد.

وجود دارایی‌های نقدی به همراه اوراق بهادار سبب می‌شود که بانک‌ها به نقدینه‌ترین موسسه‌های مالی تبدیل شوند.

اطلاعات مربوط به وضعیت درآمدها و هزینه‌های بانک هم به تفصیل در صورت سود و زیان بانک درج می‌شود. تهیه و ارائه این صورت، بسیار حائز اهمیت است، چرا که نتایج حاصل از فعالیت‌های بانک را در دوره‌ای مشخص نشان می‌دهد.

در اینجا بهتر است دارایی‌ها و بدهی‌های اصلی مندرج در ترازنامه بانک‌ها را به طور اجمال مرور کنیم.

### دارایی‌ها:

**- دارایی‌های نقدی:** نقدترین دارایی‌هایی که بانک‌ها نگهداری می‌کنند، دارایی‌های نقدی هستند. علت نگهداری این نوع دارایی‌ها، این است که در وهله اول، بانک‌ها بتوانند پاسخگوی برداشت‌های مشتریان از حساب‌هایشان باشند؛ دوم آنکه، بانک‌ها بتوانند هزینه‌های اضطراری را پوشش دهند؛ و سوم آنکه بانک‌ها بتوانند تقاضای غیرمنتظره مردم برای اعتبارات را به نحو مقتضی پاسخگو باشند. اقلام عمده دارایی‌های نقدی در ترازنامه بانک‌ها، عبارتند از اسکناس و مسکوک، موجودی نزد سایر بانک‌ها، سپرده قانونی و...

**- اوراق بهادار:** دومین طبقه‌بندی دارایی‌ها در ترازنامه، اوراق بهادار و عمدتاً اوراق قرضه است. بعد از دارایی‌های نقدی، اوراق بهادار، دومین ابزار بانک‌ها برای پاسخگویی به برداشت‌های مشتریان از حساب‌هایشان و همچنین، رفع نیازهای نقدینگی کوتاه‌مدت بانک می‌باشند. اوراق بهادار رقم نسبتاً مهمی از دارایی‌های بانک را به خود اختصاص می‌دهند. وجود دارایی‌های نقدی به همراه اوراق بهادار سبب می‌شود که بانک‌ها به نقدینه‌ترین موسسه‌های مالی تبدیل شوند.

**- وام‌ها و تسهیلات اعطایی:** مهمترین اقلام دارایی‌های مندرج در ترازنامه بانک‌ها، وام‌ها و تسهیلات اعطایی است. در حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد دارایی‌های بانک‌ها را وام‌ها و تسهیلات اعطایی تشکیل می‌دهند. بانک‌ها به واسطه وام‌ها و تسهیلات اعطایی خود نقش بسیار مهمی را در سیستم مالی و پولی کشور ایفا می‌کنند. وام‌ها و تسهیلات بانک‌ها به طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها، از جمله فعالیت‌های صنعتی، تجاری، مسکن و کشاورزی اختصاص می‌یابند. بخش قابل‌توجهی از درآمدهای بانک‌ها نیز از این دارایی‌ها ناشی می‌شود.

مدیریت ترازنامه، روشی منظم است که تلاش می‌کند تا موسسه‌های مالی را از ریسک واسطه‌گری محفوظ بدارد و چنین ریسک‌هایی را قابل قبول نماید.

**- سایر دارایی‌ها:** باقیمانده دارایی‌ها را می‌توان در زمره سایر دارایی‌ها طبقه‌بندی کرد. از جمله سایر دارایی‌ها می‌توان به وثیقه تملیک‌شده و دارایی‌های ثابت بانک اشاره کرد.

### بدهی‌ها:

**- سپرده‌های دیداری:** یکی از اقلام اصلی و مهم بدهی‌ها، سپرده‌های دیداری است. بانک‌ها برای این نوع سپرده‌ها سودی پرداخت نمی‌کنند. در واقع، سپرده‌های دیداری در زمره منابع مجانی بانک‌ها قرار می‌گیرند. البته ناگفته نماند که بانک‌ها در مقابل ارائه خدمات مربوط به این نوع سپرده‌ها، کارمزدی هم دریافت نمی‌نمایند.

- سپرده‌های سرمایه‌گذاری: بخش قابل‌ملاحظه‌ای از بدهی‌های بانک‌ها را سپرده‌های سرمایه‌گذاری (کوتاه‌مدت و بلندمدت) تشکیل می‌دهند. بانک‌ها در مقابل این نوع سپرده‌ها، سود می‌پردازند. سپرده‌های سرمایه‌گذاری در زمره منابع گر انقیمت بانک‌ها قرار دارند.

- سایر بدهی‌ها: باقیمانده ارقام بدهی‌های بانک‌ها را می‌توان تحت‌عنوان سایر بدهی‌ها طبقه‌بندی کرد.

بعد از مروری سریع بر ترانزنامه بانک‌ها، در قسمت بعد به وظایف سیستم مدیریت ترانزنامه می‌پردازیم.

### تعریف و وظایف سیستم مدیریت ترانزنامه

اگر بخواهیم مدیریت ترانزنامه را در یک عبارت کوتاه و کلی تعریف نماییم، می‌توانیم آن را به صورت زیر بیان نماییم: "سیستم بهینه‌سازی کل ترانزنامه". به‌طورکلی، ترانزنامه را می‌توان به صورت زیر نمایش داد:

دارایی‌ها	بدهی‌ها و سرمایه
	بدهی‌ها
	سرمایه
جمع دارایی‌ها	جمع بدهی‌ها و سرمایه

بهینه‌سازی ترانزنامه، از طریق حداکثر نمودن بازدهی یا ارزش افزوده ایجادشده و حداقل نمودن ریسک، انجام می‌پذیرد. در مدیریت ترانزنامه، ریسک را اینگونه تعریف می‌نماییم: "تغییرات ارزشی ناشی از نوسانات نرخ تورم یا بهره و یا ارز...".

برای محاسبه بازدهی، متغیرهای زیر را در نظر می‌گیریم: (۱) حاشیه سوددهی ناخالص، (۲) حاشیه سوددهی خالص.

نحوه محاسبه متغیرهای فوق در ادامه گزارش به تفصیل آمده است.

برای محاسبه ریسک، متغیرهای زیر در نظر گرفته می‌شوند: (۱) دوره انتظار (Duration)، (۲) تحدب (Convexity)، (۳) بسط سری تیلور  $\frac{dpv}{pv}$ .

② در حال حاضر، ریسک اصلی و تعیین‌کننده در برابر واسطه‌های مالی، ریسک نرخ بازدهی و تورم است.

وظیفه اصلی موسسه‌های مالی، واسطه‌گری در مسایل مالی و برقراری ارتباط بین نهادها و بخش‌های مختلف اقتصادی است. در واقع، موسسه‌های مالی در جهت هدایت منابع مالی و پولی فعالیت می‌کنند، به‌نحوی که از این منابع استفاده

برای به‌حداکثر رساندن بازدهی، باید حاشیه سوددهی خالص به حداکثر برسد و برای حداقل نمودن ریسک هم باید نتیجه خالص نوسانات ارزش منابع و مصارف را به حداقل رساند. شرح تفصیلی محاسبه متغیرهای فوق در بخش "متغیرهای مهم در مدیریت ترانزنامه" آمده است.

پس از بیان تعریف کلی مدیریت ترانزنامه، حال به شرح مفصل وظایف آن خواهیم پرداخت.

بانک‌ها از جمله موسسه‌های مالی مهمی هستند که نقش تعیین‌کننده‌ای را در اقتصاد برعهده دارند.

بانک‌ها موظفند که در هر سال دو گزارش

مالی اصلی تهیه و ارائه کنند:

(۱) ترانزنامه، (۲) صورت سود و زیان.

وظیفه اصلی مدیریت ترازنامه، تنها به محفوظنگهدارستن موسسه‌های مالی از ریسک محدود نمی‌شود، بلکه ایمنی و مصونیت حاصل از اجرای مدیریت ترازنامه، فرصت‌هایی را برای افزایش ارزش خالص فراهم می‌آورد. مدیریت ترازنامه، می‌تواند این امکان را برای موسسه‌ها پدید آورد که موقعیت‌هایی را به‌دست آورند که در صورت فقدان مدیریت ترازنامه، دسترسی به آنها دشوار می‌نمود. با پیاده‌سازی مدیریت ترازنامه، موسسه‌ها حتی می‌توانند وارد زمینه‌های جدیدی از فعالیت‌ها شوند و پاسخگوی تقاضا و نیاز بازار باشند. در بسیاری از این موارد، دستیابی به این فعالیت‌های جدید، بدون وجود سیستم بیمه مدیریت ترازنامه مقدور نخواهد بود.

هر مدیری دو اولویت اصلی دارد: نخستین اولویت، حفظ و نگهداری فعالیت‌های موجود و دومین اولویت، افزایش بازده، تقویت فعالیت‌ها و توسعه موسسه است. مدیریت ترازنامه می‌تواند در جهت انجام این دو اولویت، یار و یاور مهم و قابل‌اتکایی برای مدیران بانک‌ها باشد.

در سال‌های اخیر، پیشرفت‌های سریعی در پیاده‌سازی و به‌کارگیری سیستم مدیریت ترازنامه در ایران صورت گرفته است و انتظار می‌رود که این پیشرفت‌ها سریعتر نیز بشوند. برخی از دلایل مهم پیشرفت نسبتاً سریع به‌کارگیری مدیریت ترازنامه را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

(۱) رشد سریع و قابل‌ملاحظه بازار سرمایه ایران. این رشد، بستر مناسبی را برای توسعه ابزارهای مصونیت از ریسک فراهم می‌کند. در عین حال، قدرت نقدینگی این ابزارها را نیز افزایش می‌دهد.

(۲) پیشرفت نظری و فنی تحلیل ریسک. این پیشرفت، زمینه مناسبی را برای پیشرفت مدیریت ترازنامه و به‌کارگیری روش‌های مختلف ارزیابی ریسک فراهم می‌کند و باعث می‌شود که پیاده‌سازی مدیریت ترازنامه آسانتر صورت گیرد.

(۳) ارتقای سطح کیفی و آموزشی واسطه‌های مالی. همراه با گسترش بازارهای سرمایه ایران و متنوع‌تر شدن نیازها و خواسته‌ها از یک سو، و پیشرفت تکنیک‌های تحلیل و ارزیابی از سوی دیگر، سطح کیفی واسطه‌های مالی نیز ارتقا یافته است و این امر به نوبه خود باعث می‌شود که اجرا و به‌کارگیری سیستم مدیریت ترازنامه سریعتر و آسانتر انجام پذیرد. ■

ادامه دارد

اعمال مدیریت مناسب بر چنین ریسک‌هایی است. مدیریت ترازنامه (مدیریت منابع و مصارف)، روشی منظم است که تلاش می‌کند تا موسسه‌های مالی را از ریسک واسطه‌گری (ریسک نرخ بازدهی و تورم) محفوظ دارد و چنین ریسک‌هایی را قابل‌قبول نماید. به این ترتیب، مدیریت ترازنامه چارچوب لازم را برای تعریف، محاسبه، کنترل، تعدیل و مدیریت ریسک نرخ بازدهی و تورم فراهم می‌آورد.



② مدیریت ترازنامه، یعنی بهینه‌سازی کل ترازنامه.

از سوی دیگر، سیستم مدیریت ترازنامه را می‌توانیم به‌عنوان شکلی از بیمه در نظر بگیریم. این سیستم، می‌تواند موسسه‌های مالی را از شر ریسک واسطه‌گری خلاص کند. به عنوان مثال، اگر بیمه اتومبیل نداشته باشیم، پذیرش ریسک رانندگی دشوار خواهد بود. بنابراین، با بیمه کردن اتومبیل، پذیرش ریسک رانندگی برای ما آسانتر خواهد شد. وظیفه اصلی سیستم مدیریت ترازنامه هم شباهت زیادی به بیمه دارد. مدیریت ترازنامه، موسسه‌های مالی را قادر می‌سازد تا به فعالیت و بقای خود ادامه دهند، به این معنا که ریسک واسطه‌گری را تحلیل کرده و آن را تقبل کنند. مدیریت ترازنامه این امکان را برای بانک‌ها فراهم می‌آورد که وام‌های بلندمدت تأمین کنند، صرفنظر از این که برای این نوع وام‌ها وجوه بلندمدت موجود است یا نه. این عمل از طریق به‌کارگیری روش‌های قابل‌پذیرش مصونیت از ریسک نرخ بازدهی و تورم صورت می‌گیرد. هر قدر موسسه‌ای از اهرم‌های بیشتری استفاده کند، به همان میزان به‌کارگیری مدیریت ترازنامه برایش حساستر و مهمتر می‌شود. این موضوع به آن علت است که ارزش خالص موسسه تنها بخش کوچکی از دارایی‌های آن موسسه را تشکیل می‌دهد و حتی نوسان‌های اندک بازار می‌توانند تاثیر قابل‌ملاحظه‌ای بر ارزش خالص داشته باشند.

بهینه به‌عمل آید. این موسسه‌ها منابع را از بخش‌هایی که مازاد دارند، جمع‌آوری می‌کنند و به بخش‌هایی انتقال می‌دهند که با کمبود منابع مواجهند. به این ترتیب، موسسه‌های مالی در نقش پل ارتباطی وارد صحنه می‌شوند و بهترین مجراهای عبور منابع را نشان می‌دهند.

موسسه‌های مالی در راستای عمل به وظیفه خود، با تقبل ریسک‌های مربوط به واسطه‌گری، خدمات ارزشمندی را انجام می‌دهند و در عوض، عوایدی را نیز به‌دست می‌آورند. این موسسه‌ها با انواع ریسک‌های واسطه‌گری مواجهند، از جمله این ریسک‌ها می‌توان ریسک نقدینگی، ریسک اعتباری و ریسک نرخ بازدهی و تورم را نام برد. در حال حاضر، در جمهوری اسلامی ایران، ریسک اصلی واسطه‌گری، ریسک نرخ بازدهی و تورم است، چرا که در سال‌های اخیر شاهد نوسان‌های عظیم و گسترده نرخ بازدهی و تورم بوده‌ایم و به همین جهت، ریسک اصلی و تعیین‌کننده در برابر واسطه‌های مالی، ریسک نرخ بازدهی و تورم است.

### باتک‌ها به صاحبان سپرده‌های دیداری سود نمی‌دهند، اما در مقابل ارایه خدمات به این نوع سپرده‌ها هم کارمزدی دریافت نمی‌کنند.

مثالی در مورد لزوم واسطه‌گری و ریسک نرخ بازدهی و تورم، به روشن‌تر شدن موضوع کمک می‌نماید. فرض کنید که تقاضا برای بدهی‌های کوتاه‌مدت بیشتر از تقاضا برای دارایی‌های کوتاه‌مدت باشد. آنگاه بانک (یا هر موسسه مالی دیگر) می‌تواند با پذیرش بدهی‌های کوتاه‌مدت و سرمایه‌گذاری در دارایی‌های بلندمدت، نقش مهمی را ایفا کند. اما بانک با تأمین چنین خدمتی، خود را در معرض ریسک نرخ بازدهی و تورم قرار می‌دهد، زیرا ارزش بدهی‌های کوتاه‌مدت و دارایی‌های بلندمدت در واکنش به نوسان‌های نرخ بازدهی و تورم، به‌طور متفاوتی تغییر می‌کند. بنابراین، بانک با توجه به کاربرد گسترده اهرم مالی در نتیجه این واسطه‌گری، در معرض ریسک قابل‌توجه نرخ بازدهی و تورم قرار می‌گیرد. زبان‌های انبوهی که موسسه‌های مالی تاکنون تحمل کرده‌اند، غالباً نشانه عدم موفقیت در